

اردویسور آناهیتا

نوشتار : شارمین مهرآذر
Sh.mehrazar@yahoo.com

در میان اباختران (سیارات) شناخته شده منظومه خورشیدی تنها یکی از آنان به چهره زنانه (آنهم نه همیشه) نمودار شده است؛ اباختری به نام آناهیتا (ناهید) که نامهای آشنای دیگرش زهره، ایشتر و ونوس میباشد. در ادب پارسی نام ناهید یا زهره را همبسته با رقص و آواز و نوا میبینیم. درنگرشی دورتر جای پای این "ستاره بانو" را در داستانهای آفرینش میابیم، به روایت مانویان، سردسته دیوان با ایشتر (ونوس، ناهید) ازدواج میکند و از او دارای پسری به نام «آدم» و دختری به نام «حوا» میشود.

اما چهره متضاد آناهید در دو فرهنگ بدین گونه است:
در اوستا:

«اهورامزدا ی نیک کنش: فرمان داد ای آناهیتا از فراز اختران به سوی زمین آفریده اهورامزدا روانه شو دگر باره به اینجا بازگرد. آناهیتا از فراز اختران به سوی آفریده اهورا مزدا فرود آمد و گفت: از فر و فروغ منست که ستوران خرد و کلان، و آدمیان بروی این زمین در حال گردش و جنبشند. من همه آفریدگان نیک و پاک مزدا را پاسداری میکنم. (آبان یشت)»

حال به چهره متضاد آناهیتا در تورات مینگریم:

«ای زهره دختر صبح! چگونه از آسمان افتاده ای؟ ای که امته را ذلیل میساختی، چگونه به زمین افکنده شده ای؟ و تو در دل خود میگفتی: به آسمان صعود نموده و کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت. برکوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. بالای بلندی ابرها صعود کرده مثل حضرت اعلی خواهم شد. ولی به هاویه اسفل های حفره فرود خواهی شد. آنان که تورا ببینند بر تو چشم دوخته و در تو تامل نموده خواهند گفت: آیا این، آن مرد (۱) است که جهان را متزلزل و ممالک را مرتعش میساخت (کتاب اشعیای نبی)»

در هر دو گزارش یاد شده چهره آناهیتا متضاد است همچنین در آمریکای جنوبی، مصر، بابل و یونان ناهید را پسان مار و اژدها مینگارند در صورتی که آسور بانیپال وی را بدین گونه توصیف نموده است: لباسی از آتش برتن، و تاجی از شکوه و جلال برتن دارد.

حال به چهره وی در نزد آریاییان مینگریم:

آناهیتا ایزد بانوی همه آبهای روی زمین و سرچشمه اقیانوس کیهانی است. او برگردونه ای سوار است که چهار اسب آن را میکشند: باد، باران، ابر و تگرگ. وی سرچشمه زندگی، پاک کننده تخمه همه نرها و زهدان همه ماده ها و تصفیه کننده شیر در پستان همه مادران است. بدلیل ارتباطی که با زندگی دارد، جنگجویان در نبر، زنده ماندن و پیروزی را از او طلب میکنند. آبان یشت (بخشی از یشتها-اوستا) به او اختصاص داده شده و نزول او بر زمین را چنین توصیف میکند:

«ای زرتشت! اردویسور آناهید از آن (کره) ستارگان به سوی زمین آفریده اهورا فرود آمد، و اینچنین گفت اردویسور ناهید. (یشت پنج-۸۸)»

هنگامی که زرتشت از او میپرسد آیین پرستیدن او چگونه است، ایزد بانو پاسخ میدهد:

«آنگاه گفت اردویسور آناهید، برآستی اسپنتمان پاک، با این ستایش مرا بستای، با این ستایش مراسم مرا بجای آر. از هنگام برآمدن خورشید تا به وقت فرورفتن خورشید از زور (نوعی آب مقدس) من تو توانی نوشید و نیز آترباتانی (آتر در چم آذر و آتش است) که از پرسش و پاسخ آگاه اند و خردمند آزموده ای که کلام مقدس در او حلول کرده باشد. (یشت ۵-۹۱)»

در یک توصیف زنده و جاندار اردویسور آناهیتا با یک دوشیزه زیبا و قد بلند و بدنی نیرومند و پاک توصیف شده است:

« اردویسور آناهیتا ظاهر میشود به صورت یک دختر جوان بسیار نیرومند ، خوش اندام، کمر بمیان بسته ، راست بالا، آزاده نژاد و شریف که یک جبهه قیمتی پرچین زرین در بردارد. براستی همانگونه که بر قاعده است او برسم(شاخه گیاه تمر)در دست با یک گوشواره چهارگوشه زرین جلوه گر است. آن اردویسور آناهید بسیار شریف ، یک طوقی بدور گلوی نازنین خود دارد. او کمر بند بمیان میبندد تا سینه هایش ترکیب زیبا بگیرد و تا آنکه مطبوع واقع شود. در بالای سر او تاجی با صدستاره گزارد. یک تاج زیبای خوب ساخته شده که از آن چنبری پیش آمده است.(یشت ۵-۱۲، ۸)»

در وندیداد قهرمانان و ضد قهرمانان یکسان او را میستایند و به در گاه او دعا میکنند و قربانیانی به حضورش تقدیم میدارند. اهمیت و منزلت این ایزد بانو را به بهترین وجه میتوان در کشاکش میان خیر و شر و رویارویی میان پادشاهان ایران و فرمانروایان تور، یعنی منطقه شمال شرقی ایران مشاهده کرد. در جستاری پسین به نفوذ آناهیتا در تمدن و فرهنگهای دیگر افسانه مریم مقدس و نوح اشاره خواهم کرد.

بخش دوم

در داستانی مصری آمده است: « ایزیس(ناهید) مه خدمتکار ساده ای بیش نبود ، بر آن شد تا نام مقدس "رآ" (رب النوع) را برپاید و بدین تدبیر بر سراسر جهان، چیره گردد و مادینه خدا شود. او زنی حيله گر و زبان آور بود. پس، ماری را بر سر راه رآ پنهان نمود چون رآ به عادت هرروز از راه خود بگذشت ، مار آنرا نیش زد و او فریاد برآورد و با آوردن نام خود بر زبان، ایزیس که به راز قدرت وی پی برده بود با سحر و جادو قدرت را از او ربود و خود وارد جرگه خدایان کرد و ایزد بانو شد.»

دستیابی ایزیس به مقام ایزدی در داستان هاروت و ماروت میایم:

«هاروت و ماروت، دو فریخته اند در بابل که ایشان را عذاب میکنند. وسبب آن بود که به روز میان اهل زمین حکم میکردند و به شب به قوت نام میهین خدا، به آسمان میشدند و میان فریشتگان عبادت میکردند. یک چندی برآمد زنی از فرزندان نوح، نام وی زهره به تازی، بیدخت(بغ دخت) و ناهید به پارسی، بدیشان آمد چون قصد وی کردند گفت: نام میهین خدای که میدانید، در من آموزید - در وی آموختند، ناهید آن بگفت و رد آسمان شد و ایشان را فرو گذاشت»

داستان بالا کمی گنگ و سخت به نگر میآید ولی با کمی دقت در استوره های قرآن و داستان نوح روشن خواهد شد. اما هاروت و ماروت، هاروت در اصل امشاسپند «هنوروات» یا خرداد است و ماروت نیز همان «امرات» یا امرداد است و این دو زوجی جدا نشدنی اند، خرداد نگهبان آبها و امرداد نگهبان گیاهان است. شگفت پیوند بین ناهید با نوح است که وی در این داستان دختری به این نام دارد که با دو امشاسپند رابته(رابطه) برقرار نموده و چنین میگوید نام میهین خدا را در من آموزید آموختند و به آسمان شد... شاید به آسمان شدن نزد خدا رفتن و نشانه بالایی مقام او نسبت به دو امشاسپند ذکر شده باشد.

نام آناهید در میان مردم اوگاریت(سوریه) در سروده هایی در باره ایزد «آناث» یا «آنات» میخوانند: «تو محل طلوع خورشید را معکوس کردی». آرتکها(سرخپوستان مکزیکی) نیز استوره ای جالب در مورد این ایزدبانو دارند آنان از بازمانده ای به نام «ناتا» نام میبرند که از طوفان بزرگ رهایی یافت. داستان بدین گونه است: « یکی از خدایان ناتا (ناهید) را از وقوع رخ دادی که در پیش بود آگاه ساخت و به او فرمان داد تا یک کشتی از چوب سو بسازد و هنگامی که آب زمین را فراگرفت برن شود تا جان بدر برد! پس از آنکه آب در زمین فرونشست، ناتا آتشی برافروخت و مشغول سرخ کردن ماهی شد. بوی ماهی سرخ شده به آسمان رفت و خدایان حدس زدند که یکی از مردمان زنده مانده است. جالب است در تورات پس از طوفان نوح میخوانیم ، نوح آتش افروخت و خداوند از بوی گوشت سرخ شده دانست که مردمی نجات یافته اند.»

البته خواندن داستان استوره نوح در قرآن هم خالی از لطف نیست چراکه تفاوت چندانی با داستان آرتکها و یهودیان ندارد. در مصر باستان «نو» یا «نوو»، نام ایزد آبهای آفرینش بود که همان نوح است. واژه نوح در برهان قاطع نام فارسی و جوالیقی، نوح را واژه ای عجمی دانسته است. (دیوار شهریاران پوشینه ۲ رویه ۹۶۰).

بنگر میرسد بتوان نمایه ای از ناهید را در مکاشفه یوحنا یافت:

« علامت بزرگی در آسمان ظاهر شد زنی را دیدم با لباس آفتاب او تاجی از دوازده ستاره بر سر داشت و ماه زیر پاهایش بود. او باردار بود و از درد زایمان و پریشانی فریاد میزد. آنگاه علامتی دیگر در آسمان ظاهر شد، اژدهای سرخ‌رنگ بزرگی را دیدم که هفت سر و ده شاخ داشت و بر هر یک از تاجهایش نیم شاخی قرار داشت و با دم خود ثلث ستارگان آسمان را جمع کرد و آنان را بر زمین ریخت. اژدها در برابر آن زنی که قرار بود بزاید ایستاد تا همین که بچه اش بدنیا بیاید آنرا بلعد. آن زن پسری بدنیا آورد که قرار بود با عصایی آهنین بر همه ملل حکومت کند. (بنگرید به استوره ایلیدارویه ۷۶۵)، ولی کودک به سوی خدا و تخت او رفته بود و آن زن به بیابان، به جایی که خدا برایش آماده کرده بود گریخت، تا در آنجا به مدت یک‌هزار و دویست و شصت روز نگهداری شود. در آسمان جنگی برپا شد. میکائیل با فرشتگانش با اژدها و فرشتگان او جنگیدند، اژدها شکست خورد و دیگر جایی برای او نبود پس از آسمان به زیر انداخته شد (بنگرید به استوره آدم و حوا در قرآن و بیرون رانده شدن شیطان از بهشت، همچنین مار یا اژدها در زمین عهده دار گمراهی آدمیان است).

همین که اژدها فهمید آناهید در زمین است بدنیش رفت، اما بزنی دو بال عقاب داده شد تا سوی مکانی که برایش در بیابان آماده کرده بودند برود. مار (اژدها) بدنیش آن زن سیلابی از دهان خود بیرون آورد تا او را بشوید و ببرد ولی زمین به کمک او آمد و دهان باز کرده سیلاب را بلعد. (مکاشفه یوحنا فصل دوازدهم)»
دهان باز کردن زمین و فرو بردن آب را میتوان از ویژگیهای آناهیتا بشمار آورد که مردم را از موج بلند میرهاند و گزری خشک در میان رودهای ژرف و خروشان پدید می‌آورد (بنگرید به بندهش رویه ۱۱۴ و آبان یشت کرده ۱۹)

همچنین در نسک "وچر کرت دینیک" در مورد دونیم شدن آبها بوسیله این ایزد بانو آمده است که پس از رسیدن زرتشت به رودی به نام "آبایک" این رود به دوبهره گشت و زرتشت و یارانش بی گزند از میان رود گزشتند که همسانی آن با استوره سامی حضرت موسی بسیار شگفت انگیز است.

نکته قابل درنگ دیگر آنکه این داستان همانندی در اوستا دارد:

در مکاشفه خواندیم که خداوند زن را از چنگ اژدها یا مار آسمانی رهایی میبخشد و راهی بی گزند به او می نمایاند و در اوستا چنین آمده :
«ای آناهیتا! ای آنکه مزدا برای تو راهی از فراز خورشید پدید آورد تا از مارها.... گزندی به تو نرسد.
(آبان یشت کرده ۲۱، بند ۹۰)»

با اندکی پژوهش میتوان به استوره ای بودن و ریشه استوره های سامی پی برد و همچنین نفوذ و گستردگی تمدن و فرهنگ این کشور که چه در غرب و چه در آیین سامی تاثیر گزارده و شوربختانه مردمان کشورمان بدون آنکه بدانند ریشه این داستانها (نوح، مریم مقدس، آدم و حوا، سلیمان و ...) از کجا آمده با رنگ تعصب بدانها مینگرند! تا بدانجا که خود را وابسته به آنها و نه کشور خود میدانند!

۱- در بابل گای زهره (ناهید) را بصورت خدای ریشداری نمایش میدادند که هر دو ویژگی نرینه و مادینه در آن دیده میشد.

یاری نامه ها

- ۱- نبرد خدایان/امید عطایی فر
- ۲- دانش نامه مزدیسنا/ موبد اوشیدری
- ۳- نخستین شهریار و نخستین انسان/ رویه ۱۲۹
- ۴- خرده اوستا
- ۵- آبان یشت کرده ۲۱ بندهای ۸۵ و ۸۸ و ۸۹
- ۶- آبان یشت کرده ۳۰ بند ۱۲۸
- ۷- و جهان دگرگون شد رویه ۲۴۰

- ۸- انجیل ، مکاشفه یوحنا فصل ۱۲
۹- نبرد خدایان/امید عطایی /رویه ۱۱۲

آنچه که تکمیل کننده جستار است

- ۱- دیار شهریاران جلد ۱ بخش ۲ رویه ۹۶
۲- داستانهای مصر باستان جلد ۱ رویه ۱۵ تا ۲۲
۳- وندیداد / بخش دستورات قربانی و یزش
۴- شناخت اساطیر ایران / جان راسل هینلز

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi>

derafsh-kaviyani.com